

پولیس ملی و پولیس محلی:

همزمان با پیچیده شدن اوضاع امنیتی کشور، دولت افغانستان تصمیم گرفته است تا تشکیلات امنیتی را نیز پیچیده و مغلق سازد. یکی از این تصمیمات ساختار تشکیلات فرعی (پولیس محلی) در پهلوی تشکیلات عمومی (پولیس ملی) است که درین اواخر به اظهارات ضد و نقیض از طرف متخصصین سیاست و امور امنیتی کشور مواجه گردیده است. نوشته حاضر نیز در روشنی همین تصمیم و مذاکره دوبد و دوشخصیت فرهنگی و ژورنالست معروف کشور جناب حامد علمی معاون دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری و آقای احمد بهزاد نماینده مردم هرات در پارلمان کشور صورت میگیرد که یکی خیلی تیز و سوزنده و دیگری خیلی گرفته و دلگیر بحث را ادامه میداد. یکی این تصمیم دولت را غیر انسانی و دیگری یک تدبیر سالم و بموقع توصیف کرد.

این دوشخصیت سیاسی و فرهنگی کشور مسئله تشکیل پولیس محلی و اوضاع امنیتی کشور را در حالی حلاجی میکردند که لطیف محمود گرداننده برنامه چرخه ماشین را به سرعت دور میداد. موضوع مورد بحث خیلی جالب و اما بحث کنندگان خیلی سطحی و بی مدارا به این مسئله بر خورد میکردند که میشود به نحوه تحلیل و بر خورد این دو شخصیت نیز تماس گرفت.

محترم بهزاد قبل از تعریف، تحلیل و مقایسه تشکیل پولیس محلی را یک تصمیم غیر انسانی خواند و بعد به مسائل قومی تماس گرفت. هر چند بعضی واقعیت ها را باید گفت اما بشرط آنکه اثر گفتن بهتر و بیشتر از نا گفتن باشد. مثلاً وقتی کلیه غیر انسانی را بکار میبریم در حقیقت پایه های اخلاقی ادب و سیاست را به شدت لرزانده ایم. این طرز تحلیل پل عبور بمرحله بعدی را تخریب و ادامه بحث را متوقف میسازد. اما باز هم به جواب های دلگیر و کم جاذبه محترم علمی که بدون ارائه دلیل و تحلیل میگفت ما امید داریم و خوشبین هستیم بحث را خیلی بی نمک و دلگیر ساخت.

امنیت ضرورت اول زندگی: بنده به بحث های امنیتی و طرح های مؤثر درین زمینه بیشتر از هر چیزی ارج میگذارم و یقین دارم که قبل از تأمین امنیت سر مایه گذاری در هر بخش دیگر به معنی سپردن سر مایه به دست باد و آتش است. با آنکه سند رسمی تخصص در امور امنیتی را نداریم اما تجربه سی سال زندگی ام در شرائط نا امن کشور ما را خیلی آبدیده ساخته اجازه میدهد تا روی چگونگی تأمین امنیت در کشور بحث و گفتگو نمائیم. بحث پیرامون مسائل امنیتی از همه مسائل بسیار حیاتی و با ارزش بوده بدون امنیت نه بندگی خدا بجا میاید و نه خدمت به بندگان آن ممکن است. یعنی تمام امور از عبادت شروع تا معاملات تا بع وضع و شرائط امنیتی است. اگر در کشور امنیت نیست سخن از حاکمیت قانون بی مورد مینماید، با نبود امنیت انکشاف و رشد اقتصادی نا ممکن است، اگر امنیت نباشد ملت محتاج و کشور اعتبار سیاسی ندارد. اگر امنیت نباشد نماز و عبادت بخاطر خدا هم کامل نیست. اگر امنیت نباشد کاروان تمدن متوقف و بشر بجای نمیرسد لذا اول امنیت، آرامش و اطمینان و بعد راه رفتن... بناءً روی همین ضرورت نوشته حاضر را بیشتر متمرکز میسازم.

پولیس ملی و پولیس محلی: من طرفدار بحث آزاد پیرامون تمام کیف و کان امور امنیتی نیستم چون بحث پیرامون چگونگی تأمین امنیت طرف خاص خود را دارد که آنرا دشمن گویند و دشمن نباید در جریان جزئیات تصمیمگیری های باشد که بمنظور فلج ساختن آن گرفته میشود به همین دلیل نباید رقم دقیق نیرو های امنیتی و وضع الجیشی و چگونگی سوق شان بهمگان اعلان گردد. صلاحیت بحث پیرامون مسائل امنیتی باید به کسانی داده شود که خیلی ماهر دلسوز و هدفمند بوده در شرائط حاد کنونی اطلاعات خاص را بدست دشمن ندهند. مسئله امنیت مسئله حیاتی و ملیست نمیشود آنرا با سلیقه احزاب سیاسی و گروههای مختلف وفق داد. حال که مسئله تشکیل پولیس محلی مطرح شده لازم میدانم نظر خود را مطابق شرائط پر آشوب فعلی ابراز نمایم.

چرا پولیس محلی؟ وقتی اوضاع امنیتی یک کشور از هر سو تهدید میشود تمام هستی آن در معرض خطر قرار میگیرد لذا دولت مکلفیت دارد طرح های امنیتی مؤثر را زیر هر نام که میشود در عمل پیاده کند مهم نیست این طرح و یا پروژه چه نام دارد مهم این است که مؤثر و مفید واقع شود. حال یکی از گزینه های دولت بخاطر تأمین امنیت سر تا سری تشکیل پولیس محلی در پهلوی پولیس ملیست. آیا این اقدام به کاهش بحران امنیتی فعلی کمک خواهد کرد و یا خیر؟ سوالیست که تجربه جوابش را خواهد داد. بخاطر توضیح بهتر لازم می افتد تا پولیس ملی و محلی را با عموم و خصوص مشترک و یا من وجه تعریف کنیم. هر چند تعریف رسمی درین مورد وجود ندارد و قبلاً عرض

کردم دپلوم رسمی از مسائل امنیتی ندارم و تعریف رسمی این دو نهاد هم نزد من نیست اما از واقعیت های موجود در کشور به چنین تعریفی دست میایم که اگر وزارت محترم امور داخله و مسئولین امنیتی موافق باشند:

۱- پولیس ملی عبارت از افراد واجد شرائط است که از تمام ولایات کشور در چوکات وزارت داخله و ارگانهای امنیتی استخدام و در تمام مناطق کشور یکسان ایفای وظیفه میکنند.

۲- پولیس محلی عبارت از افرادی است که از محل و منطقه خاص بنام پولیس در وزارت داخله ثبت و راجستر میشوند و بعد از تعلیم و تربیه در همان محل خود ایفای وظیفه مینمایند. یعنی به مناطق دیگر توظیف نمیشوند. که طبعاً این تعریف امتیازات را نیز مشخص میسازد. مسئولیت محدود امتیاز هم محدود است. مسئولیت بیشتر امتیاز زیاد تر....

تشکیل واحد با مسئولیت های چند گانه بهتر از تعدد و نامگذاری های تشکیلاتی است: از آنجائیکه مردم از ملیشه ها و شبه نظامیان گذشته خاطرات نهایت تلخ دارند لذا دولت سعی کند تا تشویش مردم را ازین رهگذر مرفوع سازد. منرا عقیده بر این است که پولیس ملی میتواند مسئولیت دوگانه داشته باشد یکی مسئولیت ملی و یکی هم محلی به این اساس به تشکیل اضافی بنام محلی نیاز احساس نمیشود. تشکیل پولیس ملی یک ضرورت ملی است که به بحث نیاز ندارد و حال بر ضرورت تشکیل پولیس محلی در جنب پولیس ملی بحث میکنیم. اول تأیید میکنم که تشکیل باید یکی باشد یعنی زیر نام پولیس ملی تنها بر حسب ضرورت و شرائط خاص پولیس به محلی استخدام میشود که از همان محل جذب شده.

اثرات مثبت و منفی توظیف پولیس به محل خودش: البته برخی مناطق به اینگونه پولیس نیاز دارند نه همه مناطق. توظیف پولیس در محلیکه با آن آشنائی و بلدیت دارد و همدردی و حمایت مردم محیط هم با ایشان است با آنکه بعضی اشکالات دارد باز هم مفید به نظر میرسد بشرطیکه نام پولیس محلی را از بالایش بر دارند و بگویند پولیس ملی با مسئولیت های محدود محلی. در شرائطیکه حساسیت های گوناگون در کشور وجود دارد استخدام افراد از مناطق دور و نا آشنا در مناطق دیگر خالی از مشکل نیست. اینها واقعیت های است که نباید زیر نام کلیمه وحدت ملی و چندین ملی غیر عملی دیگر نا دیده گرفت. مثلاً استخدام افرادی از ولایت بدخشان در دشت های بکواه فراه و یا کوه های خوست و پکتیا چه مؤثریت دارد؟ به همین تر تیب توظیف افراد از ولایات جنوب به شمال و مرکز افغانستان؟ اول افراد محیط دیگر به نزاکت های محیطیکه مؤظف شده اند آشنا نیستند دوم در منطقه نابلد اند بزودی شکار دشمن میشوند سوم حمایت و همدردی مردم محل را آنچنانی با خود ندارند طوریکه اگر تلف شوند مردم محیط طور ساده میگویند چند نفر از دولت کشته شد هیچنوع حمایت و همدردی بیشتری از خود نشان نمیدهند. و اگر پولیس از محیط باشند اول نزاکت هارا میدانند دوم مناطق و محلات خطر و ضرر را خوب تشخیص میدهند و اگر مورد حمله دشمن قرار گیرند علاوه از دولت مردم همان محل نیز از پولیس بنام روابط خاص قومی و محلی حمایت میکنند. یعنی مردم درین صورت بی تفاوت نبوده به کمک و حمایتی افرادی میروند که از محیط شان بنام پولیس مورد حمله قرار گرفته اند. بناءً استخدام پولیس محلی یک گزینه نسبتاً مؤثر است: البته بعد از تأمین امنیت سر تا سری به این شیوه استخدام خاتمه داده شود فعلی بخاطر دفع ضرر ثقیل ضرر خفیف را باید تحمل کرد.

ملاحظه: پسوند محلی برای پولیس شایسته به نظر نمیرسد به دلیل اینکه عده ازان انتباه منفی میگیرند و از طرفی یکنوع دورنگی در بین نیرو های امنیتی ایجاد میگردد. ملی احساس بر تری میکند و محلی احساس کم مسئولیتی. پس بهتر است همه پولیس دارائی یک تشکیل و یکنام و با تفکیک وظایف باشند وظیفه ملی وظیفه محلی که قبلاً یاد آور شدم.

اشتباهات دولت: دولت در صدد جبران اشتباهات است که قبلاً مر تکب شده است.

اشتباه اول تأخیر: دولت در توظیف پولیس ملی در محلات آسیب پذیر تأخیر کرده است و با این بی توجهی خسارات را مر تکب شده که جبرانش خالی از دشواری نیست: حکومت باید حین تطبیق بر نامه دی دی آر خلاء امنیتی را توسط همین پولیس محلی پر میکرد تا جلو نفوذ مجدد مخالفین مسلح را در مناطق عاری از سلاح میگرفت. لذا دولت نتوانست این واقعیت را درست درک کند که اگر افراد مسلح غیر مسئول که مخالف مخالفین دولت اند خلع سلاح شوند کدام نیرو این خلاء را پر میکند تا جلو برگشت مجدد طالبان را در منطقه بگیرد. مقامات امنیتی باید در همان زمان این خلاء را توسط پولیس ملی از افراد محل پر میکردند. و حال تاوان همان اشتباه را میدهد که خیلی زیاد است.

اشتباه دوم تغییر در نامگذاری: تغییر در نامگذاری روحاً یک نوع تبعیض را بوجود میآورد که اثر آن در اثنای ادای وظیفه نیز محسوس خواهد بود لذا دولت میتواند همین افراد محل را زیر یک نام یعنی پولیس ملی جذب و وظیفه شان را بناء بر ضرورت در همان محل محدود میساخت تا از خوردگیری های منتقدین معتاد درامان میماند. منظور از معتاد این است که بعضی ها عادت دارند بدون اینکه راه حل و پیشنهاد بهتری را مطرح سازند حتما انتقاد میکنند. خلاصه و یا نتیجه: به ارگانهای امنیتی دولت در رأس شورای امنیت دولت پیشنهاد مینمایم تا با ملاحظه حساسیت هایکشور و منطقه بحث کمیت و کیفیت نیرو های امنیتی را شامل بر نامه های عام تلویزیونها نساخته و از رسانه

های نیز خواهش کنند که تمام کشور های مدرن و دموکرات جهان هم یک سلسله محرمیت های دارند که بازچه دست تحلیلگران سیاسی نمیشود. بناءً بهتر است مسئله کمیت تشکیل و کیفیت سوق و اداره را به نهاد های مسئول بسپارند نه جوانان پر شور و انقلابی فرهنگی.

ثانیا: پیشنهاد مینمایم تا از طرح تشکیل علیحده بنام پولیس محلی صرف نظر نموده تنها کمیت پولیس ملی را افزایش دهند و ازین تعداد برخی را مسئولیت محلی بدهند یعنی بعد از تعلیم و تربیه به محل خود شان توظیف نمایند که دلایل مؤثریت آن قبلا ذکر شد.

ثالثا : به مطبوعات کشور پیشنهاد مینمایم تا در ادای مسئولیت رسانه ای ذوق سلیقه را کنار گذاشته هدفمندانه منافع ملی را در نظر بگیرند و رسانه های دولتی و ملی مسئولیت دارند تا بیشتر به نفع صلح و امنیت تبلیغ کنند تا ترور و وحشت. فعلا رسانه ها غیر مستقیم در خدمت مخالفین دولت قرار دارند و عیب جوئی دولت و نیرو های حامی دولت برای رسانه ها یک مد شده که خیلی ها زیانبار است. مثلا در هفته گذشته یکی از زخمی ها در شفاخانه میرویس قندهار گفت خانه های مارا نیرو های ناتو در ولسوالی سنگین هلمند بمبارد کرده و بیش از پینجا نفر شهید و زخمی شده اند. در حالیکه هم دولت و هم ناتو و هم مسئولین محل ازین مسئله اظهار بی اطلاعی کردند، اما مطبوعات در مورد تلفات ملکی توسط نیرو های اردوی ملی و ناتو تا حد توان تبلیغ کردند که دیگر گنجایش نداشت. اما وقتی که والی نورستان از آتش کشیدن بیش از ۴۰۰ خانه در برگمتال توسط مخالفین خبر داد. هیچ یکی از رسانه ها این عمل وحشی را محکوم نکردند حتی نهاد های مدنی و حقوق بشر خالموش بودند که این روند کاملا منفی و به نفع دشمنان ثبات و امنیت افغانستان است. اول همه رسانه هائیکه در ساحه فعالیت دارند باید این مسئله را تشخیص دهند که سر نوشت شان با مخالفین چگونه است و در دولت فعلی در چه جایگاه قرار دارند. اگر بی تمیزی در مطبوعات به همین منوال ادامه پیدا کند دوستان در داخل دولت آب به آسیاب دشمن میریزند .

یا هو